



## بررسی تأثیر مسئولیت اجتماعی، اعتبار و مزیت رقابتی بر عملکرد مالی شرکت‌ها پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

سید فخرالدین فخرحسینی (مسئول مکاتبات)

استادیار گروه حسابداری، واحد تکناب، دانشگاه آزاد اسلامی

f.hossini@toniau.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۳۰

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۱۲/۰۷

### چکیده

در زمینه حسابداری از سال ۲۰۰۰، تعیین عوامل مؤثر بر سطح مالیات جسورانه یک نگرانی عمده بوده است. هیچ تعریف پذیرفته شده‌ای عمومی از سیاست‌های مالیاتی جسورانه وجود ندارد. ادبیات مربوطه، سیاست‌های مالیاتی جسورانه را به عنوان کاهش عمدی در درآمد مشمول مالیات از طریق فعالیت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی، تعریف کرده است. هدف این تحقیق بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و پاداش مدیریتی بر سیاست‌های مالیاتی جسورانه کسب و کار شرکت‌ها پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده است. این تحقیق در بازه زمانی ۱۳۹۹-۱۳۹۳ بر روی ۱۰۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران اجرا شده است. در این مطالعه، از داده‌های تابلویی برای بررسی تأثیر ساختار حاکمیت شرکتی، پاداش هیئت مدیره بر سیاست‌های مالیاتی جسورانه استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داد میزان پاداش هیئت مدیره و ساختار حاکمیت شرکتی بر سیاست‌های جسورانه‌ی مالیاتی کسب و کار شرکت‌ها، تأثیر معنی داری دارد. اندازه هیئت مدیره، دوگانگی مدیر عامل و استقلال هیئت مدیره بر سیاست‌های جسورانه‌ی مالیاتی کسب و کار شرکت‌ها، تأثیر معنی داری ندارد.

**واژه‌های کلیدی:** حاکمیت شرکتی، ساختار هیئت مدیره، سیاست مالیاتی جسورانه، پاداش هیئت مدیره.

## مقدمه

استقرار الگوی مناسب برای پرداخت پاداش؛ مدیران در جهت منافع سهامداران و وام‌دهندگان فعالیت می‌کنند. دلیل اصلی طرح پاداش این است که باید به مدیران به خاطر مسئولیت‌های سازمانی که بر عهده دارند، پاداش داد و انگیزه لازم را برای عملکرد بهتر در آنان ایجاد کرد (سجادی و همکاران، ۱۳۹۰). هزینه‌های مالیاتی یکی از مهمترین هزینه‌های شرکت‌ها را تشکیل می‌دهد و موجب خروج نقدینگی از شرکتها شده و سود سهام‌داران را کاهش می‌دهد و همواره مورد توجه مدیران اجرایی و هیأت مدیره و همچنین سهامداران شرکت‌ها می‌اشد. لذا اتخاذ سیاست‌های مالیاتی (متهورانه یا محافظه کارانه) از جمله خط مشی‌هایی است که در ارزیابی عمل مدیران از سوی سهامداران و همچنین کل بازار سرمایه مورد توجه قرار می‌گیرد (سبزه و همکاران، ۱۳۹۴). سیاست‌های مالیاتی اغلب به عنوان مدیریت کاهش درآمد مشمول مالیات از طریق فعالیت‌ها و اقدامات برنامه ریزی مالیاتی یاد می‌شود که می‌تواند قانونی یا غیرقانونی باشد.

بدین منظور، در این تحقیق به تاثیر حاکمیت شرکتی و پاداش مدیریتی بر سیاست‌های مالیاتی جسورانه کسب و کار شرکت‌ها، پرداخته می‌شود.

## ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق

ادبیات مربوط به مالیات بر کسب و کار شرکت‌ها نشان می‌دهد که در شرکت‌ها، پرداخت‌های مالیات بر درآمد از مهم‌ترین پرداخت‌ها است و معمولاً شرکت‌ها آن را به عنوان پرداختی که نباید پرداخت نمایند تلقی می‌کنند؛ زیرا با پرداخت مالیات نقدینگی بیشتری از شرکت خارج می‌شود و سود و وجوه نقد باقیمانده برای سایر ذینفعان شرکت از جمله سهامداران کاهش می‌یابد. از این رو به طور طبیعی این انگیزه وجود دارد تا شرکت و سهامداران آن از طریق مدیران خود اقدام به اجتناب از پرداخت مالیات نمایند (دهالیوال و همکاران، ۲۰۱۱).

در کسب و کار شرکتها، به دلیل تعدد مالکان و سهامداران، نظارت مستقیم بر عملکرد شرکت توسط سهامداران میسر نیست و گروه مزبور صرفاً میتواند از مزایای حاصله بهره مند گردند. لذا منطقی است که از طریق ایجاد مکانیزمهای نظارتی، درصدد حفظ منافع خود و کنترل بهینه رفتار مدیران استخدامی برآیند. یکی از ابزارهای رایج جهت دستیابی به این مهم، اعطای پاداش به مدیران براساس عملکرد آنان و انگیزش این مباحثران، در راستای اهداف شرکت بدان طریق است، که در تئوری نمایندگی بحث می‌شود (جوادی و فتاحی، ۱۳۹۵).

بر اساس تئوری رقابتی در کسب و کار بنگاه‌ها، نسبت به تئوری پرداخت منصفانه، پیش‌بینی می‌شود که میزان پرداختی به مدیران پراکندگی بیشتری خواهد داشت. اولین بار لازر و روسن (۱۹۸۱) بر اساس نظریه مسابقه‌ای، نشان داد که پراکندگی پرداخت، منجر به بهره‌وری نهایی نمی‌گردد بلکه به تفاوت‌های نسبی بین افراد، بستگی دارد. یک ارتباط تنگاتنگی بین تلاش و بازدهی کارکنان وجود دارد که می‌تواند با افزایش پراکندگی پرداخت‌ها به صورت سلسله‌مراتبی، افزایش یابد. بر اساس تئوری عدالت منصفانه، نشان داده است که پراکندگی پرداخت‌های زیاد، سبب ایجاد حسادت و رفتارهای ناکارآمد در میان اعضای تیم می‌شود و این امر می‌تواند منجر به اثرات منفی متفاوتی بر روی عملکرد شرکت گردد. مطالعات تطبیقی زیادی به بررسی رویکرد‌های مسابقه‌ای و منصفانه پرداخته‌اند. باثومن و هاریس (۲۰۰۳) در بررسی ساختار سلسله‌مراتبی یا فشرده، نشان داد که بر عملکرد سازمانی تاثیر دارد و فشرده سازی دستمزد سبب کاهش پراکندگی سطح دستمزد می‌گردد که می‌تواند با توجه به ویژگی‌های درون صنعت، یعنی اندازه و تفاوت مالکیت، این رابطه تغییر کند (یو و لوو، ۲۰۱۵).

به طور عام، پاداش مدیریتی، راه حل اصلی مسأله نمایندگی تصور می‌شود. بر اساس این اعتقاد، در صورت

برای جرائم مالیاتی و مجازات‌هایی تحمیلی از سوی سازمان مالیاتی، هزینه‌های پیاده‌سازی، هزینه‌های اعتباری و هزینه‌های سیاسی است. (اسلمرود *Vi i*، ۲۰۰۵؛ اسکولز و همکاران، ۲۰۰۵ *Vi i*؛ هانلون و اسلمرود *i X*، ۲۰۰۹؛ چن و همکاران *X*، ۲۰۱۰) همچنین هزینه‌های بالقوه نمایندگی در جهت منافع توسط مدیران در نتیجه رابطه تعریف بین تهور مالیاتی و انحراف مدیریتی وجود خواهد داشت. (دزایی و دارماپالا، ۲۰۰۶ *Xi*). از اینرو، از دیدگاه نمایندگی، تهور مالیاتی یک پیش‌فرض سیاسی مطلق برای تمامی شرکت‌ها نبوده و به هزینه‌های همراه آن و فوایدی که در پی دارد بستگی خواهد داشت.

تحقیقات پیشین (دسای و دارماپالا، ۲۰۰۶؛ چن و همکاران، ۲۰۱۰؛ هانلون و اسلمرود، ۲۰۰۹) با بررسی حاکمیت شرکت و تهور مالیاتی در تلاش برای تجزیه حاکمیت شرکتی به مولفه‌های عمده‌ای همچون اعضای هیأت مدیره نیست؛ تحقیقات پیشین دربرگیرنده رابطه بین ساختار هیأت مدیره و تهور مالیاتی نمی‌باشد. هرچندکه، تطبیق کسب‌وکاری در مقولات نظریه نمایندگی و مسئولیت اجتماعی شرکتی نشان می‌دهد که ساختار هیأت‌های مدیره دارای نقش با اهمیت‌تری در نظارت بر مدیریت است تا اجرای دیگر سازوکارهای حاکمیت‌جویانه شرکتی (زهره و استانتون *Xii*، ۱۹۸۸، زهره و پیرس *Xiii*، ۱۹۸۹، بیسلی *Xiv*، ۱۹۹۶، ابراهیم *Xv*، ۲۰۰۳، اوزون و همکاران *Xvi*، ۲۰۰۴). بویژه، بخش اعظم روسای غیراجرایی در هیأت مدیره باید به نظارت بهتر بر مدیریت برای منافع سهامداران و بطورکلی‌تر برای جامعه منتج شود. علاوه بر این، ادبیات موجود ارائه‌کننده بررسی ناچیزی درباره وظایف روسا نسبت به افراد ذینفع است تا سهامداران، بویژه از حیث اعمال مالیاتی و تطبیق مالیاتی. این فقدان بررسی علیرغم ابتکار عمل‌های دولت‌ها در کشورهای مختلفی همچون استرالیا و بریتانیا برای اصلاح قوانین شرکتی با توسعه حیطه عمل طرفین به روسایی است که وظایف خود را شمول تمامی افراد ذینفع در جامعه مدیون هستند (ویلیامز، ۲۰۰۷ *Xvii*).

مالیات‌ها عوامل برانگیزاننده‌ای در بسیاری از تصمیمات شرکت‌هاست. شواهد تحقیقات اخیر در نقاط مختلف دنیا نشان می‌دهد که اقدامات مدیریتی طراحی شده برای کاهش مالیات شرکتی از طریق فعالیت‌های تهور مالیاتی در حال تبدیل شدن به یک ویژگی بنوعی فزاینده و معمول دورنمای شرکتی در بسیاری از کشورهای سراسر جهان است. با این وجود، سیاست‌های متهورانه مالیاتی شرکتی با خود هزینه‌ها و فواید حائز اهمیتی برای مدیریت، سهامداران و بطورکلی جامعه دربردارد. در صورت که فواید و مزایای اعمال سیاست‌های متهورانه مالیاتی بر هزینه و مجازات‌های در پی آن، فزونی یابد شرکت‌ها از این سیاست‌ها بهره می‌گیرند. البته از آنجایی که مالیات‌ها هزینه قابل ملاحظه‌ای برای کسب و کار شرکت و سهامداران به وجود می‌آورند، معمولاً انتظار می‌رود که سهامداران تهور مالیاتی را ترجیح دهند. با این حال این بحث هزینه‌های غیرمالیاتی بالقوه‌ای که می‌تواند با تهور مالیاتی همراه شود خصوصاً هزینه‌های ناشی از مشکلات نمایندگی را نادیده می‌گیرد. آندرونی و همکارانش (۱۹۹۸) *i i*، اینگونه اظهار نظر می‌کنند که از دیدگاه سیاست ملی، مقوله اعمال سیاست‌های مالیاتی مشکلی است به دیرپایی و قدمت خود مالیات‌ها و از اینرو از اهمیت واضحی برای ملل سراسر جهان برخوردار است. چون ادبیات مالیات به لحاظ تاریخی تمایزی بین جنبه‌های شرکتی و فردی تهور مالیاتی پدید آورده است، مدل‌های پیشین تهور مالیاتی کسب و کار شرکتی بر مبنای تطبیق با هر فرد مالیات‌دهنده تنظیم شده است. هرچندکه، تحقیقات اخیر توسط چن و - چو (۲۰۰۵) *i v*، کراکر و اسلمرود (۲۰۰۵) *v* و دزایی و دارماپالا *vi* (۲۰۰۶) دربرگیرنده تهور مالیاتی کسب و کار شرکتی در مقوله نظریه نمایندگی می‌باشد که بخاطر رابطه اصل نمایندگی بین سهامداران و مدیریت در فضای کسب و کار شرکتی بسیار مناسب‌تر است.

از دیدگاه نمایندگی، فواید مدیریتی تهور مالیاتی برای سهامداران، شامل صرفه‌جویی بیشتر مالیاتی برای شرکت است درحالی که هزینه‌های حاشیه‌ای، شامل توان بالقوه

حاکمیت خوب شرکتی، بهبود یافته و در سطح مطلوبی قرار دادند.

مولایی ایل ذوله و همکاران (۱۳۹۹) در تحقیق نشان دادند بین مسئولیت اجتماعی شرکت با گزارشگری متهورانه مالیاتی رابطه‌ی منفی و معناداری، دارد ولی پاداش مدیران، دارای رابطه‌ی مثبت و معناداری، است.

روش تحقیق و مدل

### ۱-۳- روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر روش، توصیفی همبستگی و از نظر هدف، یک تحقیق کاربردی می باشد. همچنین جامعه آماری تحقیق شامل کلیه شرکتهای پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران است که به طور مستمر از سال ۱۳۹۳ الی ۱۳۹۹ در بورس فعال بوده‌اند. روش گردآوری داده های تحقیق حاضر از نوع میدانی و ابزار گردآوری داده های تحقیق، بانک های اطلاعاتی بورس اوراق بهادار خواهد بود. به منظور جمع آوری داده های مورد نیاز برای محاسبه متغیرهای پژوهش، از بانک های اطلاعاتی استفاده شد. نمونه گیری پژوهش به صورت هدفمند و بصورت حذف سیستماتیک انتخاب گردیده است. بدین صورت که از کلیه ی شرکتهای موجود بانکهایی که دارای شرایط فوق نباشند حذف شده و در نهایت از کل شرکت های باقی مانده ۱۰۷ بانک جهت انجام آزمون انتخاب خواهند شد.

### ۲-۳- مدل و متغیرهای تحقیق

در این در این تحقیق با الگوپذیری از تحقیق الخاموسی و همکاران (۲۰۱۷) و مدل رگرسیونی زیر، به آزمون فرضیه ها، پرداخته شده است:

$$\begin{aligned} TAX\_MAN_{it} = & \alpha_0 + \alpha_1 BOARD\_SIZE_{it} + \alpha_2 DUALITY_{it} + \alpha_3 BODI_{it} \\ & + \alpha_4 SALARY_{it} + \alpha_5 STOCK_{it} + \alpha_6 TOTAL\_COMPENSA_{it} \\ & + \alpha_7 TAX\_FEES_{it} + \alpha_8 AGE_{it} + \alpha_9 TENURE_{it} + \alpha_{10} SIZE_{it} \\ & + \alpha_{11} CINT_{it} + \alpha_{12} INTANG_{it} + \alpha_{13} ROA_{it} + \varepsilon_{it} \end{aligned}$$

گرچه آنچه که دزایی و دارماپالا (۲۰۰۶) بیان می کنند بنظر غیرشهودی و غیرذاتی است، این حالت را به بهترین نحو بوسیله شرایطی می توان توصیف نمود که شرکت های دارای مدیریت ضعیف از ابتدا پرخاشگری بیشتری به مالیات دارند، بویژه در مواقعی که تاثیر بازخورد مثبتی بین افزایش سود و تهور مالیاتی وجود دارد. آنها همچنین براین مدعا هستند که سهامداران، حضور مدیران را در تهور مالیاتی رد می کنند، علیرغم درآمدهای بالقوه در ارزش پیش از کسر مالیات شرکتی، این نظریه نیز بنظر این تصور را با به خود به همراه دارد که در شرایطی که تهور مالیاتی و افزایش سود جایگزین هستند، شرکت های دارای مدیریت مناسب از انگیزه بالاتری برای تهور مالیاتی برخوردارند.

مورفی و جنسن (۲۰۱۲)، در بررسی رابطه بین پاداش مدیران عامل و عملکرد شرکت، نتیجه گیری کردند که رابطه مثبتی بین اختیار معامله سهام اهدایی به مدیران و تغییر ثروت سهامداران وجود دارد. آلوس و همکاران (۲۰۱۶) به بررسی تاثیر پاداش های اجرایی و عملکرد شرکت های پرتغالی پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که میزان پاداش پرداختی به مدیران، ویژگیهای هیئت مدیره بر عملکرد شرکتها تاثیر دارد.

نتیجه تحقیق کلاین و همکاران (۲۰۱۷) Xi X نشان می دهد که دسته های مختلفی از پاداش های پرداختی مدیران می تواند بر عملکرد سازمانی تاثیر گذار باشد و رابطه معکوسی بین مالکیت سهام و عملکرد شرکت، وجود دارد. ژو و همکاران (۲۰۱۷) XX نشان داد که مدیران غیر کترلی و مستقل بر میزان پرداخت های مدیران تاثیر دارد و این امر بر عملکرد شرکت ها تاثیر دارد.

تارکواسکا (۲۰۱۷) نتایج نشان داد که میزان پرداختی بالاتر به مدیران، روحیه و انگیزه تیم اجرایی را منفی می کند. جیانگ و همکاران (۲۰۲۰) XXI نشان داد محدودیت ها در پاداش های اجرایی با عملکرد حسابداری شرکتها رابطه منفی دارد این تاثیر منفی این رابطه در شرکت هایی با سطح

در مدل فوق

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای تحقیق ماخذ: یافته های تحقیق

متغیر	میانگین	میان	ماکزیمم	مینیمم	انحراف معیار	جولگی	کشدگی
AGE	1.5	1.6	1.8	1.0	0.2	-0.8	2.9
BOARD SIZE	0.7	0.7	0.8	0.4	0.1	-0.6	4.1
BODI	0.3	0.3	0.3	0.0	0.1	-1.1	4.1
CINT	0.3	0.2	0.8	0.0	0.2	0.8	3.0
DUALITY	0.2	0.0	1.0	0.0	0.4	1.6	3.6
INTANG	1.3	0.0	173	0.0	8.3	14	260
ROA	0.1	0.1	0.6	-0.8	0.1	-0.2	6.5
SALARY	2.5	2.2	7.7	0.3	1.1	2.2	8.0
SIZE	14.1	13	19.1	10	1.6	0.9	3.9
STOCK	0.2	0.1	0.9	0.0	0.1	1.5	5.9
TAX FEES	5.1	5.3	7.8	0.0	1.5	-2.2	8.7
TENURE	0.2	0.2	0.3	0.0	0.1	-2.6	8.8
TOTAL COMPENSA	1.0	1.2	2.8	0.0	0.6	-0.2	2.7
AGE	5.5	5.4	8.0	3.7	0.8	0.8	3.7

BOARD\_SIZE: اندازه هیئت مدیره، مجموع اعضای هیئت مدیره، DUALITY: دوگانگی نقش مدیرعامل است. اگر مدیرعامل، رئیس هیئت مدیره باشد، این متغیر برابر یک خواهد بود، در غیر این صورت برابر صفر است. BODI مدیر مستقل، درصد مدیران مستقل به کل اعضای هیئت مدیره، SALARY: حقوق مدیرعامل، STOCK: سهامی که در اختیار مدیرعامل، TOTAL\_COMPENSA: مجموع پاداش های دریافتی مدیرعامل، TAX\_FEES: نسبت هزینه مالیاتی به کل هزینه حسابرسی، بدست می آید.

## ۴-۴-۲- آزمون مانایی متغیرها (ریشه واحد):

به منظور بررسی مانایی متغیرهای تحقیق از آزمون ریشه واحد فیلیپس پرون برای متغیرهای تحقیق استفاده می گردد. در صورتی که سری های زمانی مورد استفاده در رگرسیون پایا نباشد، ممکن است دچار رگرسیون کاذب شویم. نتیجه آزمون ریشه واحد فیلیپس پرون برای متغیرهای مدل مورد بررسی در جدول (۲) آمده است. نتایج نشان دهنده این است که مقدار آماره احتمال متغیرها کمتر از ۰.۰۵ می باشد و این نشان دهنده این است که متغیرها در سطح مانا می باشند.

مالیات جسورانه: برای اندازه گیری این متغیر با الگوپذیری از تحقیق الخاموسی و همکاران (۲۰۱۶)، از نرخ موثر مالیاتی، نشان دهنده ی مالیات جسورانه است، استفاده شده است:

$$TAX - MAN_{it} = \frac{\text{کل هزینه مالیات شرکت در سال مزبور}}{\text{سود قبل از مالیات شرکت}}$$

جدول (۲): بررسی مانایی متغیرها به روش فیلیپس پرون ماخذ:

یافته های تحقیق

متغیر کنترلی در این تحقیق نیز شامل:

نتیجه آزمون	آزمون فیلیپس پرون		متغیر
	معنا داری	آماره	
مانا	0.0000	323.481	AGE
مانا	0.0000	211.458	BOARD SIZE
مانا	0.0000	489.624	BODI
مانا	0.0027	276.177	CINT
مانا	0.0000	223.037	DUALITY
مانا	0.0000	660.149	INTANG
مانا	0.0001	303.559	ROA
مانا	0.0000	437.128	SALARY
مانا	0.0001	299.615	SIZE
مانا	0.0000	322.744	STOCK
مانا	0.0000	316.963	TAX FEES
مانا	0.0000	482.867	TAX MAN
مانا	0.0000	513.692	TENURE
مانا	0.0000	416.223	TOTAL COMPENSA

AGE: نشان دهنده سن شرکت است. TENURE: نشان دهنده مدت زمان تصدی مدیر عامل، SIZE: لگاریتم کل دارایی های شرکت، CINT: نسبت کل تجهیزات، دارایی های خالص و کارخانه، به کل دارایی ها، INTANG: نسبت دارایی های نامشهود به کل دارایی ها، ROA: از نسبت سود خالص به کل دارایی ها بدست می آید.

نتایج تحقیق

## ۴-۱- آمار توصیفی

تحلیل داده ها در این بخش با محاسبه شاخص های مرکزی از جمله میانگین و میان و شاخص های پراکندگی از قبیل انحراف معیار، حدکثر و حداقل مقدار متغیرها انجام شده است. نتایج آمار توصیفی در جدول (۱) گزارش شده است.

تصادفی رد شده و مدل باید با استفاده از اثرات ثابت تخمین زده شود.

جدول (۳): مقدار قدر مطلق ضریب همبستگی ماخذ: یافته های

تحقیق

COMPENSA	TENURE	TAX_MAN	TAX_FEES	STOCK	SIZE	SALARY	ROA	INTANG	DUALITY	CINT	BODI	BOARD_SIZE	AGE	Correlation
														1.000
													0.116	AGE
												0.137	0.048	BOARD_SIZE
												0.048	0.048	BODI
												0.048	0.048	CINT
												0.048	0.048	DUALITY
												0.048	0.048	INTANG
												0.048	0.048	ROA
												0.048	0.048	SALARY
												0.048	0.048	SIZE
												0.048	0.048	STOCK
												0.048	0.048	TAX_FEES
												0.048	0.048	TAX_MAN
												0.048	0.048	TENURE
												0.048	0.048	COMPENSA

#### ۴-۴-آزمون خود همبستگی

آزمون خود همبستگی یکی از فروض کلاسیک رگرسیون است. آماره دورین واتسن  $XXi i$  یک آماره آزمون می باشد که برای بررسی وجود خود همبستگی  $XXi i$  (رابطه بین مقادیری که با تاخیر زمانی  $XXi v$  مشخص از یکدیگر جدا شده اند) بین باقیمانده ها در تحلیل رگرسیون استفاده می گردد. مقدار این آماره همواره بین (۰ تا ۴) قرار میگیرد که آستانه های مورد پذیرش آن به صورت زیر است: مقدار ۲ برای این آماره نشانگر عدم وجود خود همبستگی می باشد که حالت مطلوب در فرضیات اصلی مربوط به باقیمانده ها در تحلیل رگرسیون می باشد. اصلا مقدار کمتر از ۲ همبستگی پیاپی مثبت (نوعی همبستگی پیاپی می باشد که در آن مقدار باقیمانده مثبت برای یک مشاهده شانس مثبت بودن باقیمانده مشاهده دیگر را افزایش میدهد و بالعکس) و مقدار بیشتر از ۲ این آماره همبستگی پیاپی منفی را در بین باقیمانده نشان می دهد. لازم به ذکر است مقدار آماره آزمون اگر کمتر از ۱ یا بیشتر از ۳ باشد زنگ هشدار برای وجود خود همبستگی مثبت یا منفی بین باقیمانده می باشد. همانطور که در جدول (۵) مشخص است مقدار این آماره در این مطالعه نزدیک به ۲ می باشد که این مقدار نشان دهنده عدم وجود خود همبستگی می باشد که حالت مطلوب در فرضیات اصلی مربوط به باقیمانده ها می باشد.

#### ۴-۵- آزمون مدل

نتایج حاصل از برآورد مدل رگرسیونی با روش تلفیقی در جدول (۵) گزارش شده است. نتایج حاصل از برآورد مدل و سطح معناداری مربوط به F کوچکتر از ۰/۰۵ است حاکی از معنی دار بودن متغیرهای ورودی از جمله متغیرهای کنترلی و مستقل، در سطح اطمینان ۹۵ درصد می باشد و نشان از برازش مناسب مدل دارد. مقدار ضریب تاثیر متغیر

همچنین برای مشخص کردن عدم خطی بودن بین متغیرها، در جدول (۳) مشخص است بیشترین مقدار قدر مطلق ضریب همبستگی بین متغیرها برابر با مقدار ۰/۴۷۲ می باشد و سایر ضرایب، مقادیر اندکی به دست آمده و این نشان دهنده این است که بین متغیرهای توضیحی هم خطی بالایی وجود ندارد.

۴-۳- آزمون تعیین نوع داده های ترکیبی اف لیمر و هاسمن در داده های ترکیبی برای انتخاب بین روش های داده های تابلویی و تلفیقی از آزمون F لیمر استفاده شود. اگر آماره F محاسبه شده از مقدار جدول کوچکتر باشد از داده های تابلویی و در غیر این صورت از داده های تلفیقی استفاده می شود. در صورتی که داده ها به صورت تابلویی باشند، باید آزمون هاسمن انجام شود.

جدول (۴): نتایج آزمون هاسمن ماخذ: یافته های تحقیق

مدل تحقیق	مقدار آماره	درجه آزادی	معناداری	نتیجه
آزمون F لیمر	۲۰۱	106,6	0.0000	مدل panel
آزمون هاسمن	۷36.	13	0.0005	اثرات ثابت

با توجه به جدول (۴) روش پولینگ دیتا برای تخمین مدل تحقیق انتخاب می شود. با توجه به اینکه مقدار معناداری آزمون هاسمن در مدل از سطح خطای ۰/۰۵ کوچکتر است، فرضیه صفر مبتنی بر تخمین معادله به روش اثرات

می‌توان در مجموع گفت ساختار حاکمیت شرکتی بر سیاست‌های جسورانه‌ی مالیاتی شرکت‌ها، تأثیر معنی‌داری ندارد. شیرین حصار و اسعدی (۱۳۹۴) در بررسی خود نشان دادند نتایج پژوهش حاضر بیانگر عدم وجود رابطه معنادار بین ساختار مالکیت با سیاست‌های جسورانه مالیاتی و همچنین وجود رابطه معنادار بین ساختار مالکیت و سیاست‌های جسورانه مالیاتی با نقش تعدیل‌کننده‌ی عملکرد شرکت‌ها است

با توجه به نتایج بدست آمده، میزان پاداش هیئت مدیره بر سیاست‌های جسورانه‌ی مالیاتی شرکت، تأثیر معناداری به اندازه ۰.۰۲ واحد دارد. عسگری و مولانی نیا (۱۳۹۷) و مولانی نیا و همکاران (۱۳۹۶) نشان دادند که پاداش هیئت مدیره با اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معناداری دارد، به عبارت دیگر هر چه میزان پاداش هیئت مدیره بیشتر باشد انگیزه مدیران برای کاهش و فرار از پرداخت مالیات کاهش می‌یابد. خاموسی و همکاران (۲۰۱۶) نشان دادند ساختار حاکمیتی و پاداش هیئت مدیره بر کاهش مالیات جسورانه، تأثیر دارد. در واقع بین اندازه هیئت مدیره، پاداش مدیرعامل، با مالیات جسورانه، رابطه منفی وجود دارد همچنین بین دوگانگی نقش مدیران و مالیات جسورانه، رابطه منفی وجود دارد.

### نتیجه‌گیری پیشنهادات

بهبود فضای کسب و کار امروزه به عنوان یک راهبرد اقتصادی شناخته شده است. این راهبرد مکمل راهبرد خصوصی‌سازی است و برخی نیز حتی برای باورند که رفع موانع بخش خصوصی یا همان بهبود فضای کسب و کار می‌بایست جایگزین خصوصی‌سازی شود. همچنین، بهبود فضای کسب و کار می‌تواند منجر به ایجاد فعالیت‌های متکی بر کارآفرینی گردد

اهمیت انجام این پژوهش در این است که بررسی عوامل موثر بر اتخاذ سیاست‌های جسورانه مالیاتی توسط شرکت‌ها، بدلیل تاثیرگذاری آن بر عملکرد و اعتبار

مستقل اندازه هیئت مدیره بر متغیر وابسته سیاست‌های جسورانه‌ی مالیاتی برابر ۰.۰۲۰۶ محاسبه شده است اما به لحاظ آماری معنی‌دار نمی‌باشد.

جدول (۵): تخمین مدل تحقیق ماخذ: یافته‌های تحقیق

Y= TAX MAN			متغیر
معناداری	آماره تی	ضریب	
0.01	-2.79	-0.03	AGE
0.38	0.88	0.02	BOARD SIZE
0.13	1.53	0.03	BODI
0.00	-7.05	-0.07	CINT
0.05	-1.99	-0.01	DUALITY
0.59	-0.54	0.00	INTANG
0.10	1.62	0.02	ROA
0.00	4.40	0.01	SALARY
0.00	-14.28	-0.02	SIZE
0.50	-0.67	-0.01	STOCK
0.00	39.05	0.03	TAX FEES
0.46	-0.74	0.00	TENURE
0.00	7.78	0.02	TOTAL COMPENSA
0.00	7.29	0.22	C
R <sup>2</sup> =0.80 F= 21.31 Prob (F)= D.W=2.181			برازش کلی مدل

مقدار ضریب تأثیر متغیر مستقل دوگانگی مدیر عامل بر متغیر وابسته سیاست‌های جسورانه‌ی مالیاتی برابر ۰.۰۱- محاسبه شده که به لحاظ آماری معنی‌دار است. بنابراین می‌توان گفت دوگانگی مدیر عامل، بر سیاست‌های جسورانه‌ی مالیاتی شرکت، تأثیر منفی و معناداری دارد. درخصوص استقلال هیئت مدیره، بر سیاست‌های جسورانه‌ی مالیاتی شرکت‌ها، تأثیر معنی‌داری ندارد. در این راستا محققان به نتایج مختلفی رسیده اند مینیک و نگا (۲۰۱۰) دریافتند که هیئت‌های مستقل بیشتر بر سیاست‌های جسورانه تمرکز کرده اند. در واقع، مدیران مستقل خارجی بیشتر احتمال دارد که مالیات را به میزان قابل توجهی کاهش دهند و مالیات داخلی افزایش یابد. ژو (۲۰۱۱) استدلال کرد که شرکت‌هایی که مدیران مستقل بیشتری دارند، کمتر تحت تأثیر تجاوز مالیاتی قرار می‌گیرند. آرمسترانگ و همکاران (۲۰۱۵) مشاهده کرد که هیئت مدیره با مدیران مستقل بیشتر متعهد به پرداخت مالیات شد.

با توجه به نتایج بدست آمده مبنی عدم تأثیر معنادار متغیرهای اندازه هیئت مدیره، دوگانگی مدیر عامل و استقلال هیئت مدیره، بر سیاست‌های جسورانه‌ی مالیاتی،

مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تاثیر معنی‌داری داشته است.

می‌توان پیشنهاد کرد با توجه اهمیت افزایش ارزش شرکت، لازم است که اطلاعات دقیق در زمینه ی پاداش-های دریافتی مدیران، در اختیار بازار قرار گیرد تا میزان عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌ها کاهش یابد. تا سرمایه‌گذاران در مورد رفتار مالیاتی شرکت، بتوانند به درستی تصمیم-گیری نمایند.

همچنین جهت تجزیه و تحلیل بنیادی و ارزیابی صحیحی از عملکرد مدیر به شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود تا اطلاعات کاملی در مورد ویژگی‌های حاکمیت شرکتی، در قالب معیارهای کمی قابل اندازه‌گیری، به سرمایه‌گذاران ارائه شود. تا سرمایه‌گذاران بتوانند با شناخت کامل از شرکت‌ها، سرمایه‌گذاری نمایند.

## منابع

بحری ثالث جمال؛ بهنمون یعقوب، مددی زاده ابراهیم، ۱۳۹۳. "ویژگی‌های هیات مدیره و استراتژی مالیاتی جسورانه"، حسابداری مدیریت، پاییز ۱۳۹۳، دوره ۷، شماره ۲۲؛ از صفحه ۵۳ تا صفحه ۶۷.

اسعدی، عبدالرضا؛ رضا تهرانی و سمانه خستو، ۱۳۹۲، "تأثیر ساختار هیات مدیره بر سیاست‌های جسورانه مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، یازدهمین همایش ملی حسابداری ایران، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.

ولایی نیا، رضا و محمدرضا عسگری، ۱۳۹۷، "بررسی رابطه بین کیفیت پاداش هیئت مدیره و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، پنجمین کنفرانس اقتصاد و مدیریت کاربردی با رویکرد ملی، بابلسر، دانشگاه بوعلی سینا همدان - شرکت پژوهشی طرود شمال- دانشگاه سیستان و بلوچستان-دانشگاه پیام نور مرکز یزد- شبکه پژوهشگران ایرانی

خستو، سمانه. ۱۳۹۱. "تأثیر ساختار هیأت مدیره شرکت‌ها بر سیاست-های متهورانه مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، پایان نامه کارشناسی ارشد، واحد نیشابور

شرکت در بازار سرمایه از جایگاه ویژه ای برای سهامداران و دولت برخوردار است. از سوی دیگر با توجه به نقش و جایگاه هیأت مدیره به عنوان نمایندگان سهامداران در راهبری سیاست‌ها و فعالیت‌های شرکت که در قانون تجارت نیز بر آن تاکید شده است؛ بررسی تاثیر هیأت مدیره بر سیاست‌های مالیاتی، میتواند به تبیین درست جایگاه آن در تصمیم‌گیری‌های شرکت کمک شایانی کند. هدف از این تحقیق، بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی و پاداش مدیریتی بر سیاست‌های مالیاتی جسورانه کسب و کار شرکت‌ها بوده است.

نتایج تحقیق نشان داد ساختار حاکمیت شرکتی، اندازه هیئت مدیره

دوگانگی مدیر عامل، استقلال هیئت مدیره بر سیاست‌های جسورانه‌ی مالیاتی شرکت‌ها تاثیر معنی‌داری نداشته است. میزان پاداش هیئت مدیره بر سیاست‌های جسورانه‌ی

i Beaumont and Harris  
ii Yu Peiyi, Luu  
iii Andreoni et al.  
iv Chen and Chu  
v Crocker and Slemrod  
vi Desai and Dharmapala  
vii Slemrod  
viii Scholes et al.  
ix Hanlon and Slemrod  
x Chen et al.  
xi Desai and Dharmapala  
xii Zahra and Stanton  
xiii Zahra and Pearce  
xiv Beasley  
xv Ibrahim et al.  
xvi Uzun et al.  
xvii Williams  
xviii Alves  
xix Kline  
xx Zhou  
xxi Jiang  
xxii Durbin-Watson statistic  
xxiii autocorrelation  
xxiv Lag



یوسفی، ابراهیم، ۱۳۹۶، "بررسی رابطه بین پاداش هیئت مدیره و مدیر عامل و اصول حاکمیت شرکتی بر روی مدیریت مالیاتی"، سومین کنفرانس بین المللی مدیریت و مهندسی صنایع، تهران، دانشگاه مقدس اردبیلی

Armstrong, C., Blouin, J. & Larcker, D. (2010). "The Incentives for Tax Planning", Working Paper, SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1416422>

Desai, M. Dharmapala, D. (2009). "Corporate Tax Avoidance and Firm Value". *Review of Economics and Statistics*, 91, 537-546.

Frank, M.M., Lynch, L.J. and Rego, S.O. (2009), "Tax reporting aggressiveness and its relation to aggressive financial reporting", *The Accounting Review*, Vol. 84 No. 2, pp. 467-496.

Richardson, G., Wang, B. & Zhang, X. (2016). Ownership structure and corporate tax avoidance: Evidence from publicly listed private firms in China. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 12(2), 141-158.

O'Connor, Thomas, Byrne, Julie, (2015) "When does corporate governance matter? Evidence from across the corporate life-cycle", *Managerial Finance*, Vol. 41 Issue: 7, pp.673-691, doi: 10.1108/MF-11-2013-0306, p: 6

Nanik Lestari and Ratna Wardhani (2015) "The Effect of the Tax Planning to Firm Value with Moderating Board Diversity", *International Journal of Economics and Financial Issues* ISSN: 2146-4138 available at <http://www.econjournals.com> *International Journal of Economics and Financial Issues*, 2015, 5(Special Issue) 315-323.

Lanis, R. and Richardson, G. (2011a), "The effect of board of director composition on corporate tax aggressiveness", *Journal of Accounting and Public Policy*, Vol. 30 No. 1, pp. 50-70

Kim, J.-B., Li, Y. and Zhang, L. (2011), "Corporate tax avoidance and stock price crash risk: firm-level analysis", *Journal of Financial Economics*, Vol. 100 No. 3, pp. 639-662.